

مقالات (۶۷)



مرکز مطالعات متین
MatinStudies.com

زندگی نامه شیخ علی طنطاوی

مجاهد مامون دیرانیه | ترجمه: عادل حیدری



زندگی نامه شیخ علی طنطاوی |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زندگی‌نامه شیخ علی طنطاوی

به قلم نوۀ ایشان: مجاهد مأمون دیرانیه

پدر بزرگ من - رحمه الله - شیخ علی طنطاوی زندگی پر از حوادث و مملو از کارهای شایسته‌ای داشت که برخی از آن‌ها را خود ایشان و برخی دیگر را نیز دیگران ثبت کرده‌اند. با این حال تمام آنچه که از زندگی او ثبت شده همه آنچه نیست که بر او پیش آمده؛ زیرا زندگی ایشان بسیار گسترده‌تر از آن چیزی است که به ثبت رسیده است. در این مقاله می‌کوشیم برخی از ابعاد مهم زندگی این شخصیت بزرگ را پوشش دهیم.

اصالت و خانواده ایشان:

با توجه به اینکه لقب پدربزرگ من «طنطاوی» است، به ذهن می‌آید که اصالت ایشان از طنطا در مصر باشد، که در واقع درست است. جد وی در سال ۱۲۵۵ هجری قمری به همراه دایی اش از طنطا به دمشق مهاجرت کرد. دایی او که از علمای بزرگ الازهر بود علم و دانش خود را به سرزمین شام منتقل کرد و در آنجا توجه زیادی به علوم عقلی، به‌ویژه نجوم و ریاضیات داشت. وی در سال ۱۳۰۶ هجری قمری، یعنی بیست و یک سال قبل از تولد پدربزرگم درگذشت. شرح حال ایشان در کتاب ارزشمند «روض البشر» اثر شیخ عبدالرزاق البيطار و همچنین در کتاب «الحدائق» اثر شیخ عبدالمجید خانی که هر دو از شاگردانش بودند آمده است. در بیوگرافی ایشان آمده است: او محمد بن مصطفی متولد طنطا، ساکن دمشق، شافعی مذهب، عالم به زبان عربی، فلسفه و علوم دیگر بود و از آثارشان «البسیط» است که یک دستگاه ستاره‌شناسی است که در مناره العروس مسجد اموی نصب شده است.

زندگی‌نامه شیخ علی طنطاوی |

بسیاری از علمای شام در قرن گذشته در نزد ایشان درس خوانده و از علم و دانش وی بهره برده‌اند.^۱

اینگونه بود که زندگی خاندان طنطاوی در شام آغاز شد، اما پدر بزرگ پدر بزرگم که از مصر همراه دایی‌اش شیخ محمد به شام آمده بود، احمد بن علی بن مصطفی نام داشت. او امام یک گروه از سربازان بازنشسته در ارتش عثمانی بود. پدر بزرگم در وصف او گفته است^۲ که ایشان انسانی بسیار منظم و دقیق بود؛ هر چیزی در زندگی‌اش بر اساس حساب و کتاب بود، از خواب و بیداری گرفته تا غذا خوردن. او ابتدا در خانه بزرگ دایی‌اش زندگی می‌کرد و با دختر دایی‌اش ازدواج کرده بود؛ به همین دلیل خود را سبط طنطاوی یعنی نوۀ دختری طنطاوی می‌نامید.^۳

۱ - الذکریات: ۱/۱۳۳

۲ - الذکریات: ۱/۱۴۳

۳ - الذکریات: ۱/۱۴۴

این بود شرح حال پدربزرگ پدربزرگم، اما پدر پدربزرگم، شیخ مصطفی طنطاوی از علمای برجسته شام بود که به امانت‌داری در فتوا در دمشق مشهور بود. او از برجسته‌ترین فقها و علما و معلمان و مربیان شام بود.^۴ شیخ مصطفی همچنین مدیر مدرسه تجاری‌ای بود که پدربزرگم در آن تحصیل کرده بود. این مدرسه یک مؤسسه آموزشی جامع و کامل بود که بخش‌های کودکستان، ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را شامل می‌شد و دوازده سال تحصیل در آنجا انجام می‌شد. پس از آنکه ایشان مدیریت مدرسه را ترک کرد به‌عنوان رئیس دیوان عالی کشور منصوب شد و این مقام را از سال ۱۹۱۸ میلادی تا زمان وفاتشان در سال ۱۹۲۵ میلادی برعهده داشت. در آن زمان سن جد من تنها ۱۶ سال و سه ماه بود.^۵

خانواده مادر پدربزرگم نیز از خانواده‌های علمی شهر دمشق بود، خانواده شیخ ابوالفتح خطیب از خانواده‌های سرشناس شام بود که اصالتاً از بغداد

۴ - الذکریات: ۱۱/۲

۵ - الذکریات: ۳۵/۸

زندگی‌نامه شیخ علی طنطاوی |

بوده و سپس به حما مهاجرت کرده بودند. و یکی از شاخه‌های این خانواده به روستای «عدرا» در شرق جاده دمشق - حلب که مشرف بر غوطه است مهاجرت کرد. یکی از افراد این خانواده، شیخ عبدالرحمن بن محمد خطیب به دمشق مهاجرت کرده و در سال ۱۱۹۹ در آنجا درگذشت و در مقبرهٔ حداح به خاک سپرده شد. نسل ایشان به هزاران نفر رسید و از بزرگترین خانواده‌های دمشق شدند.^۶ بسیاری از اعضای این خانواده از علمای برجسته بودند و در کتاب‌های رجال به‌طور خاص از آن‌ها یاد شده است. دایی ایشان و برادر مادرشان محب الدین خطیب به مصر مهاجرت کرد و در آنجا دو روزنامهٔ «الفتح» و «الزهرا» را تأسیس نموده و نقش مهمی در دعوت اسلامی در مصر در اوایل قرن بیستم ایفا کرد.

۶ - الذکریات: ۲۰۱/۱ و بعد از آن.

تحصیلات و شروع زندگی علمی:

شیخ علی طنطاوی از اولین کسانی بود که تحصیل خود را از دو طریق سنتی و رسمی کسب کرد. سنتی نزد اساتید و مشایخ و رسمی در مدارس دولتی و نظامی. ایشان در کتاب «التعریف العام بدین الاسلام» به اساتیدی که نزد آن‌ها درس خوانده پرداخته و از بیش از چهل نفر از آنان نام برده است.

ایشان تحصیلات ابتدایی خود را در دوران عثمانی آغاز کرد و تا سال ۱۹۱۸م در مدرسه تجاری‌ای که پدرش مدیر آن بود تحصیل کرد. سپس در مدرسه سلطانیه دوم و بعد از آن در مدرسه جقمقیه تحصیلاتش را ادامه داد. پس از آن تا سال ۱۹۲۳ در مدرسه دولتی دیگری ادامه تحصیل داد، پس از آن وارد مکتب عنبر شد که تنها دبیرستان کامل دمشق در آن زمان بود. در سال ۱۹۲۸ میلادی موفق شد در آنجا دیپلم عمومی را دریافت کند. پدر بزرگم شش سال

از پربارترین سال‌های زندگی خود را در این مدرسه گذراند و هیچ‌گاه تأثیر آن را فراموش نکرد و تا آخر عمرشان از آن یاد می‌کرد.^۷

پس از آن به مصر رفت و وارد دارالعلوم عالی شد و اولین دانشجوی شامی بود که برای تحصیلات عالی به مصر رفت، اما نتوانست سال اول را تمام کند و در سال بعد یعنی ۱۹۲۹م به دمشق بازگشت. و در دانشگاه دمشق حقوق خواند و در سال ۱۹۳۳م موفق به دریافت لیسانس حقوق شد. زمانی که ایشان در مصر بود کمیته‌های دانشجویی را دید که در فعالیت‌های مردمی و مبارزاتی شرکت داشتند. زمانی که ایشان به شام بازگشت برای تشکیل کمیته‌های مشابه در شام فراخوان داد و کمیته‌ای برای دانشجویان به نام «کمیته عالی دانشجویان سوریه» تأسیس شد که وی را به عنوان ریاست آن انتخاب کردند و سه سال آن را رهبری کرد. این کمیته به نوعی کمیته اجرایی جبهه ملی بود که مبارزات علیه استعمار فرانسه در شام را هدایت می‌کرد. این

۷ - شیخ علی طنطاوی سخنان مفصلی در مورد مکتب عنبر دارد؛ نگا: الذکریات ۱/۱۰۳، ۱۳۰، ۱۴۹،

کمیته مسئول برگزاری تظاهرات و اعتصابات و همچنین ابطال انتخابات
تقلبی در سال ۱۹۳۱ بود.

همانطور که ذکر شد، پدر ایشان زمانی که وی ۱۶ ساله بود از دنیا رفت و
مسئولیت نگهداری از خانواده‌اش که متشکل از مادر و پنج خواهر و برادر بود
بر دوش او افتاد، زیرا وی فرزند بزرگ خانواده بود. به همین دلیل ایشان ابتدا
تصمیم گرفت تحصیل را رها کرده و به تجارت بپردازد، اما خداوند او را از این
کار منصرف ساخت، و ایشان تحصیلات خود را ادامه دادند.^۸

زمانی که پدر بزرگم ۲۴ ساله بود مادرشان را از دست دادند و این حادثه یکی
از بزرگترین شوک‌های زندگی وی پس از شوک مرگ پدرش بود. او بارها از
مادرش و مرگ او یاد می‌کرد و باید بگویم که با گذشت بیش از شصت سال
از مرگ او، وقتی نام مادرش را می‌آورد اشک در چشمانش حلقه می‌زد.^۹

۸ - الذکریات: ۲۶/۸

۹ - الذکریات: ۱۴۲/۲

در عرصه مطبوعات:

شیخ علی طنطاوی اولین مقاله خود را در سال ۱۹۲۶ را برای یک روزنامه عمومی به رشته تحریر در آورد که توسط استاد محمد کرد علی در روزنامه «المقتبس» منتشر شد. او در آن زمان تنها ۱۷ سال داشت.^{۱۰} از آن پس، علی طنطاوی هیچ‌گاه از دنیای مطبوعات فاصله نگرفت و در تمام دوران زندگی‌اش با مطبوعات همکاری داشت و برای بسیاری از روزنامه‌ها مقاله می‌نوشت. زمانی که در سال ۱۹۲۶م به مصر رفت در تحریریه مجلات دایی‌اش محب الدین خطیب «الفتح» و «الزهرا» با ایشان همکاری کرد و زمانی که به دمشق بازگشت در روزنامه «فتی العرب» با ادیب بزرگ معروف الارناؤط همکاری کرد. وی پس از آن به‌عنوان رئیس هیئت تحریریه روزنامه «الایام» که در سال ۱۹۳۱ توسط جبهه ملی منتشر شد و سردبیری آن را استاد بزرگ عارف النکدی بر عهده داشت مشغول به کار شد. او در این روزنامه مقالات زیادی در

۱۰- من حدیث النفس ص ۱۴۹

زمینه ملی‌گرایی نوشت. او در همین مدت در روزنامه‌هایی نظیر «الناقد» و «الشعب» و دیگر روزنامه‌ها نیز قلم می‌زد.

در سال ۱۹۳۳م روزنامه‌نگار بزرگ شام الزیات، مجله‌ای به نام «الرساله» تأسیس کرد و پدر بزرگ من یکی از نویسندگان این مجله شد و به مدت بیست سال در آن فعالیت می‌کرد تا اینکه این مجله در سال ۱۹۵۳ بسته شد. او همچنین سال‌ها در مجله «المسلمون» و مجله «الایام» و مجله «النصر» مقاله می‌نوشت. زمانی که به عربستان سعودی رفت در مجله «الحج» در مکه و روزنامه «المدینه» مقالاتی را منتشر می‌کرد. و در نهایت، خاطرات خود را در روزنامه «الشرق الاوسط» به مدت تقریباً پنج سال منتشر کرد و علاوه بر این‌ها، مقالات متفرقه‌ای در ده‌ها روزنامه و مجله نوشت که خود او قادر به شمارش و یادآوری نام‌های آن‌ها نبود.

زندگی‌نامه شیخ علی طنطاوی |

با تمام این‌ها، روزنامه‌نگاری همیشه کار محبوب و مورد علاقه او بود،^{۱۱} و در قسمت دوم خاطرات منتشر شده - بخش‌های ۳۵ تا ۳۷ - جزئیات جذاب و اخبار زیادی در مورد کارهایش در عرصه مطبوعات و افرادی که با او در این حوزه همکاری کردند، آمده است. علاقه‌مندان می‌توانند به آنجا مراجعه کنند.

در زمینه آموزش:

اگرچه روزنامه‌نگاری حرفه‌ای بود که علی طنطاوی به آن علاقه داشت، اما آموزش کاری بود که تمام زندگی‌اش را در بر گرفت. او خودش را یکی از قدیمی‌ترین معلمان دنیا و یا حتی قدیمی‌ترین آن‌ها می‌دانست. چرا چنین نباشد، در حالی که او تدریس را زمانی آغاز کرد که هنوز در مقطع دبیرستان تحصیل می‌کرد؟! علی طنطاوی در سال ۱۳۴۵ هجری قمری زمانی که ۱۷ یا ۱۸ ساله بود تدریس را در مدارس غیرانتفاعی دمشق از جمله مدارس «الامینییه»، «الجوهریه» و «الکامله» شروع کرد. یکی از سخنرانی‌های او در

۱۱ - الذکریات: ۵/۲

کلاس‌های ادبیات عرب دربارهٔ بشار بن برد بود که در دانشکده علمی سوریه ایراد شد و بعدها در سال ۱۹۳۰م زمانی که وی ۲۱ ساله بود در قالب کتابی به چاپ رسید.

پس از آن، در سال ۱۹۳۱، پس از بسته شدن روزنامهٔ «الایام» که او مدیر تحریریه‌اش بود، به عنوان معلم ابتدایی در مدارس دولتی مشغول به کار شد و تا سال ۱۹۳۵ در این مقطع تدریس کرد. زندگی او در این مدت به دلیل مواضع ملی‌گرایانه و شجاعتش در مقابله با فرانسوی‌ها و هم‌پیمانانشان در دولت وقت با مشکلات زیادی همراه بود. او بارها از شهری به شهر دیگر و از روستایی به روستای دیگر منتقل شد و در تمام نقاط سوریه از جبل‌الشیخ در جنوب گرفته تا دیرالزور در شمال به سفر پرداخت. با این حال، هیچ‌کدام از این تحولات نتوانست او را از آموزش بازدارد یا از ادامهٔ مسیرش منصرف کند. در خاطراتش^{۱۲} به طور مفصل از سفرهایش بین مدارس در روستاها، کوه‌ها، بیابان‌ها در روزهای سرد و گرم می‌گوید و از عبور از برف‌ها و خوابیدن در کنار

۱۲ - اواخر جلد دوم و اوایل جلد سوم

عقرب‌های بیابان سخن به میان می‌آورد. تصاویری که اگر امروزه جوانان آن‌را بخوانند شگفت زده خواهند شد که چگونه انسانی می‌توانند چنین سختی‌هایی را تحمل کند، اما او با عزمی راسخ و اراده‌ای قوی پیش می‌رفت و هیچ‌گاه خسته نمی‌شد.^{۱۳}

علی طنطاوی تدریس در مدارس ابتدایی روستاها را با اشتیاق زیادی آغاز کرد که در بین معلمان کم‌نظیر بود. اما آرزوی او بزرگتر از تدریس به کودکان بود؛ او همیشه می‌خواست علم و خلاقیت خود را در هر جایی که بود و با هر کسی که کار می‌کرد، به اشتراک بگذارد. او در مورد تدریس در مدرسه ابتدایی در روستای سلمیه در ۱۹۳۲م می‌گوید: «از آنجایی که دانش‌آموزان بسیار باهوش و مشتاق به یادگیری بودند، من می‌خواستم از آن‌ها نویسندگان و خطبایی بزرگ بسازم؛ بنابراین درس‌های تاریخ را تبدیل به سخنرانی‌های ملی کردم تا صرف آشنایی با وقایع گذشته نباشد».^{۱۴}

۱۳ - الذکریات: ۱۲/۳

۱۴ - الذکریات: ۲۲۱/۲

پس از آن، او به روستای سقبا از روستاهای غوطه در نزدیکی دمشق منتقل شد و مسئولیت مدرسه‌ای را بر عهده گرفت که بیش از صد دانش‌آموز داشت.^{۱۵}

در سال ۱۹۳۶، او به عراق منتقل شد و به تدریس در دبیرستان مرکزی بغداد و سپس در دبیرستان غربی بغداد و دارالعلوم شرعی در منطقه اعظمیه مشغول به کار شد. اما روحیه بلندپرواز و شجاعتی که همیشه همراهش بود باعث شد که در عراق نیز همانند سوریه از مکانی به مکان دیگر منتقل شود. و در نهایت، در شمال عراق در کرکوک و در جنوب عراق در بصره تدریس کرد. این دوران در ذهن او خاطراتی جاودانه باقی گذاشت. او بغداد را بسیار دوست داشت و حتی کتابی در مورد آن نوشت.^{۱۶} تجربه او در تدریس در عراق بسیار متفاوت از تجربه‌اش در تدریس ابتدایی در سوریه بود، زیرا او از آموزش

۱۵ - الذکریات: ۱۰/۳

۱۶ - بغداد: مشاهدات و ذکریات، ص ۱۵

کودکان به تدریس نوجوانان و جوانان رسیده بود و این تغییر باعث شد او با شور و اشتیاق علم خود را به آن‌ها منتقل کند.^{۱۷}

شیخ علی طنطاوی تا سال ۱۹۳۹ در عراق به تدریس پرداخت به جز سال ۱۹۳۷ که در مدرسه شرعی بیروت مشغول به تدریس شد. و پس از آن به دمشق بازگشت و به عنوان استاد در مکتب عنبر تدریس را شروع کرد. او هیچ‌گاه از موضع‌گیری‌های دردرسازش عقب‌نشینی نکرد، و یکی از این موضع‌گیرها در رابطه با جشن تولد پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بود که پس از آن دستور انتقالش به دیرالزور صادر شد و او در سال ۱۹۴۰ به عنوان معلم در دیرالزور مشغول به تدریس شد. شیخ علی طنطاوی در آنجا خطبه‌ای آتشین ایراد کرد که خشم مردم علیه استعمارگران فرانسه را برانگیخت. اگرچه سربازان فرانسوی نتوانستند او را دستگیر کنند، اما به او اجازه ندادند برای تدریس به دیرالزور بازگردند.^{۱۸}

۱۷ - الذکریات: ۲۹۳/۳

۱۸ - الذکریات: ۱۵۹/۴

در قضاوت:

پس از حوادث دیرالزور در اواخر سال ۱۹۴۰، علی طنطاوی به‌طور اجباری از تدریس بازماند و وارد عرصه قضاوت شد. این تصمیم به‌رغم مشکلات اولیه به‌نفع او تمام شد. وی ۲۵ سال از پربارترین سال‌های زندگی‌اش را در این حرفه سپری کرد.^{۱۹} او از تدریس در مدارس ابتدایی در روستاها به این حرفه وارد شد و سپس به‌عنوان قاضی در مناطق مختلف سوریه، از جمله در نیک، دوما از مناطق دمشق فعالیت کرد، و سپس به قاضی ممتاز در دمشق و مشاور دیوان عالی کشور تبدیل شد. این دوران شاهد نبوغ علی طنطاوی بود که تلاش می‌کرد در هر موقعیتی کار خود را به بهترین شکل انجام دهد.

او در ابتدا از وزارت دادگستری درخواست کرد که به او یک ماه فرصت دهد تا با تمام قوانین و فرآیندهای حقوقی آشنا شود، از جمله مسائل مربوط به

۱۹ - پدربزرگم از مارس ۱۹۴۱ تا زمان سفرش به عربستان سعودی در سال ۱۹۶۳، یعنی تقریباً به مدت بیست و سه سال، قاضی فعال بود، اما تا اواسط سال ۱۹۶۶ به‌طور رسمی به‌عنوان قاضی شناخته می‌شد.

زندگی‌نامه شیخ علی طنطاوی |

ازدواج، میراث، وصیت و دیگر موارد.^{۲۰} پس از این آمادگی، در اولین پرونده‌ای که با آن روبرو شد توانست اشتباهی را که هیچ کس دیگری متوجه نشده بود کشف کند و این باعث شگفتی و تحسین وکلا و کارشناسان شد. این موفقیت در آغاز کار قضاوتش شهر و اعتبار او در عرصه حقوقی را افزایش داد.^{۲۱}

پدر بزرگم علی طنطاوی پس از حدود ۱۱ ماه در نیک، به دوما منتقل شد و سپس به عنوان قاضی رسمی دمشق تعیین شد. در دمشق او به مدت ده سال در مقام قاضی ممتاز به خدمت پرداخت و در این مدت بسیاری از مسائل قضایی را با تغییرات اساسی و اصلاحاتی در سیستم حقوقی حل کرد.^{۲۲} در سال ۱۹۷۴ او مسئولیت تدوین قانون جدید ثبت احوال را بر عهده گرفت و در این زمینه همراه با استاد نهاد القاسم به مصر فرستاده شد تا به همراه وی

۲۰ - الذکریات: ۱۶۶/۴

۲۱ - الذکریات: ۱۶۷/۴

۲۲ - الذکریات: ۲۵۹/۴

زندگی‌نامه شیخ علی طنطاوی |

قوانین جدید آنجا را بررسی کند. این قانون بعدها به‌عنوان اساس‌نامه قوانین موجود در سوریه و مصر شناخته شد.

در نهایت علی طنطاوی در سال ۱۹۶۰ مسئولیت وضع مقررات آموزشی در مدارس شرعی را بر عهده گرفت و موفق شد برنامه‌های درسی جدیدی را برای این مدارس تنظیم کند.

سفرهای ایشان:

علی طنطاوی در بسیاری از کنفرانس‌ها شرکت کرده بود که از جمله آن‌ها می‌توان به نشست‌های مطالعات اجتماعی اتحادیه عرب در دمشق در دوره ادیب الشیشکلی، کنفرانس ملت‌های عرب برای حمایت از الجزایر، کنفرانس تأسیس اتحادیه جهان اسلام، و دو کنفرانس سالانه اتحادیه دانشجویان مسلمان در اروپا اشاره کرد. اما مهم‌ترین حضور او مشارکت در کنفرانس اسلامی مردمی در سال ۱۹۵۳م در قدس بود که نتیجه آن سفر طولانی وی به

زندگی‌نامه شیخ علی طنطاوی |

منظور تبلیغ برای فلسطین بود. او در این سفر به کشورهای پاکستان، هند، مالزی و اندونزی سفر کرد.

این اولین سفر طولانی او نبود، هر چند که دورترین و طولانی‌ترین آن‌ها بود. در سال ۱۹۳۵ میلادی او در اولین سفر برای شناسایی مسیر حج زمینی بین دمشق و مکه شرکت کرد. این سفر با حوادث و خطرات بسیاری همراه بود و جزئیات آن در کتاب «من نجات الحرم» آمده است.

در عربستان سعودی:

در سال ۱۹۶۳ میلادی، علی طنطاوی به ریاض سفر کرد و در دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی این شهر مشغول به تدریس شد. این مؤسسات بعدها به دانشگاه اسلامی محمد بن سعود تبدیل شدند. پس از پایان آن سال ایشان به دمشق بازگشت تا عمل جراحی کلیه انجام دهد و تصمیم داشت که سال بعد به عربستان بازنگردد، اما پیشنهادی برای انتقال به مکه برای تدریس او را متقاعد کرد که از تصمیم خود منصرف شود.

زندگی‌نامه شیخ علی طنطاوی |

او به مکه منتقل شد و ۳۵ سال از عمر خود را در مکه و جده گذراند. وی ۲۱ سال در محله اجیاد در کنار حرم اقامت داشت و پس از آن ۷ سال در منطقه العزیزیه در مکه زندگی کرد و سپس در جده سکنی گزید و تا زمان وفاتشان در سال ۱۹۹۹ میلادی در این شهر زندگی می‌کرد.

او پس از سفر به مکه تدریس را در دانشگاه تربیت معلم این شهر آغاز کرد و سپس مسئولیت اجرای برنامه‌های آگاهی بخشی اسلامی را بر عهده گرفت. او از دانشگاه‌ها و مدارس مختلف در سراسر عربستان بازدید می‌کرد و به ایراد سخنرانی می‌پرداخت.^{۳۳} و علاوه بر آن در حرم مکه به پرسش‌های زائران پاسخ می‌داد. ایشان همچنین در رادیو و تلویزیون عربستان سعودی برنامه‌هایی به به نام‌های «مسائل و مشکلات» و «نور و هدایت» داشت^{۳۴} که با استقبال بسیار گسترده‌ای روبرو شد.

۳۳ - الذکریات: ۲۷۱/۴ و پس از آن.

۳۴ - این برنامه‌ها از سال ۱۹۶۷ آغاز شد و قبل از آن ایشان برنامه‌ای با عنوان «صومن آمجادنا» را اجرا می‌کردند.

زندگی‌نامه شیخ علی طنطاوی |

برنامه‌های علی طنطاوی میلیون‌ها شنونده و بیننده داشت و مردم با هر گرایش و سلیقه‌ای به آن توجه داشتند. علی طنطاوی یکی از قدیمی‌ترین گویندگان رادیو در جهان عرب بود و گویندگی را از دهه ۱۹۳۰ میلادی در رادیو خاور نزدیک که از یافا شروع به پخش کرده بود و به مدت بیش از دو دهه ادامه داشت آغاز کرد و نزدیک به ربع قرن نیز در رادیو و تلویزیون عربستان سعودی برنامه اجرا کرد.

این فعالیت‌ها تمام وقت او را در این سال‌ها پر کرده بود. من نیز در سال ۱۹۷۷ میلادی که برای تحصیل در دانشگاه ملک عبدالعزیز به جده عربستان رفتم، برخی از روزها را با ایشان سپری می‌کردم. او ساعت‌ها وقت خود را صرف بررسی پرسش‌های مخاطبان و پاسخ دقیق به آن می‌کرد. در هر هفته صدها سؤال دریافت می‌کرد اما می‌توانست تنها به تعداد محدودی از آن‌ها پاسخ دهد.

او در زمان‌های مشخص در خانه خود در مکه نیز پاسخگوی پرسش‌های مردم بود و بعد از نماز مغرب در مسجدالحرام به پرسش‌های مردم پاسخ می‌داد.

او در سال ۱۹۹۰ میلادی به پاس خدماتش به اسلام جایزه جهانی ملک فیصل را دریافت کرد.

عزالت و وفات ایشان:

پس از گذشت سال‌ها، علی طنطاوی که جسمش دیگر توان ادامه فعالیت‌های فکری و اجرایی را نداشت تصمیم گرفت که از رادیو و تلویزیون کناره‌گیری کند. او همچنین به مدت پنج سال خاطرات خود را در روزنامه‌ها منتشر کرد و در نهایت پس از پخش نزدیک به ۲۵۰ قسمت از آن‌ها اعلام کرد که از نشر خاطراتش دست می‌کشد و به دنبال عزالت فکری است.^{۲۵}

زندگی‌نامه شیخ علی طنطاوی |

شیخ علی طنطاوی در اواخر عمر مبارکش درب خانه‌اش را به روی خود بست و از مردم فاصله گرفت، و جز عده‌ای اندک از نزدیکان که بیشتر شب‌ها به دیدارش می‌آمدند کسی را نمی‌پذیرفت. در همان روزها نیز خانه او به محلی برای گردهمایی تبدیل شد که در آن مسائل علم، فقه، زبان، ادب و تاریخ مورد بحث قرار می‌گرفت. شیخ در آخرین روزهای زندگی‌اش گاهی برخی امور روزانه‌اش را فراموش می‌کرد، تا جایی که شاید نماز فرضش را دوبار می‌خواند، چون از فراموشی آن هراسان بود. و آنچه در روز گذشته رخ داده بود را به یاد نمی‌آورد اما همچنان حافظه خود را حفظ کرده بود.

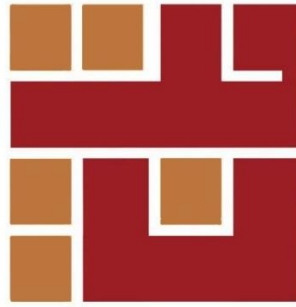
او در اواخر زندگی‌شان از فتوا دادن خودداری می‌کرد تا از اشتباهات احتمالی جلوگیری کند، با این حال می‌توانست مسائل و احکام شرعی را بهتر از بسیاری از مردان و جوانان استنباط کند. در ماهی که در آن وفات یافت، وقتی شعری به او عرضه می‌شد که آن را ده یا بیست سال پیش ندیده و نخوانده بود، تمام ابیاتش را تکمیل می‌کرد و مبهماتش را روشن می‌ساخت. اگر از شخصیتی نام برده می‌شد به شرح حال وی می‌پرداخت. حتی اگر در یکی از

زندگی‌نامه شیخ علی طنطاوی |

واژه‌های زبان اختلافی در ضبط یا معنی وجود داشت، می‌فرمود که درستش چنین است، و ما دایره‌المعارف المحيط را که کنار دستش بود می‌گشودیم و می‌دیدیم که آنچه گفته بود صحیح است.

این وضعیت او سال‌ها ادامه داشت تا اینکه قلب بزرگش خسته شد و دیگر قادر به ادامه مسیر نبود. در آخرین سال‌های زندگی، چندین بار به بیمارستان منتقل شد و هر بار از ضعف قلب خود شکایت داشت. ابتدا فاصله حملات قلبی‌اش زیاد بود، اما به تدریج نزدیکتر شدند تا اینکه در سال آخر این حملات آن‌چنان زیاد شد که او بیشتر بین خانه و بیمارستان در رفت و آمد بود. سپس عمر او بنابر تقدیر الهی به پایان رسید و پس از شامگاه روز جمعه، سوم ربیع‌الاول ۱۴۲۰ هجری قمری، که معادل با هجدهم ژوئن ۱۹۹۹ میلادی بود، در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان ملک فهد در جده جان سپرد و پس از اینکه در حرم مکی بر جنازه‌اش نماز خوانده شد در مقبره العدل در مکه مکرمه به خاک سپرده شد.

زندگی نامه شیخ علی طنطاوی |



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies